

# سه گفتار در باب تاریخ معنویت ایران<sup>۱</sup>

از: آقای پروفوئر هانزی کرین  
استاد دانشکده و شرق‌شناس فرانسوی

## گفتار اول

### مذاهب شیعه و اسلامیه

ترجمه آقای دکتر عیسی سپهبدی  
استاد دانشکده ادبیات

امروزه در محافل مغرب‌زمین با تفوّه باصطلاح «شیعیسم»، اذهان و افکار متعدد در فورم و مشرب خاصی از اسلام می‌شود که مذهب رسمی ایران را از مذاهب دیگر ممالک اسلامی مشخص و ممتاز می‌کند زیرا قریب به پنج قرن نست که مذهب شیعه مذهب رسمی ممالک محرّوسة ایران می‌باشد. فی الحقیقته منشأ آنرا باید در نسل‌های اولیّه اسلام جستجو کرد. معاذلک قابل انکار نیست که عوامل ذوق و شخصیت‌های ایرانی در امر تکوین و علم شدن آن نقش اساسی را بازی کرده اند. بعلاوه مذهب شیعه دارای فلسفه و حکمت الهی بسیار غنی می‌باشد که بهردو زبان عربی و پارسی بر شنئه تحریر درآمده و متساقانه تاکنون خیلی کم مورد انتفات اهل تحقیق بوده است. واما از بابت «شیعیسم» باید متذکر شد که اصطلاح مزبور به زبان فرانسوی بر این مذهب یا مکتب شیعه اختیار شده و از کلمه شیعه یعنی دسته پیروان فکر یا هدف واحد اقتباس گردیده و بتحقیق مترادف با کلمه «Secte» یعنی فرقه در زبان لاتین می‌باشد. بنابراین شیعه عبارت از فرقه یا پیروان مکتبی است که بشیوه‌ی خصیت حضرت علی بن

۱- این سه گفتار بوسیله آقای پروفوئر هانزی کرین در برنامه سازمان فرهنگ فرانسه ازدادیوی فرانسه ایراد شده است و اینک ترجمه آنها از نظر خوانندگان معتبر می‌گذارد. آقای هانزی کرین در سفر اخیر خود به تهران، همین ترجمه‌ها را در دوره دکتری فلسفه اسلام بحث و مذاکره قرار داده‌اند.

ابی طالب داماد حضرت رسول و امام اول، از بافت مقام فضل و روحانیت و اولویت و مولویت یکتا و بی‌مثال او باوگر و پدھاند و شخصیت بارز معنوی اور اکعبه آمال و نقطه اولای قلوب خود قرار داده‌اند. بواسطه همین صدق و خلوص واردات خاص بشخصیت امام (متراکف پاره بر راهنمای و مرشد مولا) است که شیعه خاص ایران بشیعه امامیه اشتهر یافته و از سایر فرق شیعه ممتاز گردیده. معدله‌ک در سیاق وسیله مطالعات علمی مذاهب، شعبه مهم دیگری از این مذهب را که تحت عنوان مذهب اسماعیلیه معروف گردیده نمیتوان از مذهب شیعه جدا نمود.

تمایل کلی عصر ما چنین است که همواره میخواهندیک پدیده مذهبی و معنوی را باعلل و عوامل غیر مذهبی توجیه نمایند. برخی علماء و محققین زحمات زیادی به خود همواره کرده و سعی نموده‌اند پیدایش و قوام مذهب شیعه را باعلل و مستحبات سیاسی، اجتماعی، جغرافیائی و علمی نظریه آن تفسیر و توضیح نمایند. بدین ترتیب تنها یک نکته وامر مهم را فروگذار کرده‌اند و آن اینست که اگر مشرب یا مذهبی وجود دارد اوین و آخرین دلایل آن وجود شیعه و مذهب مرتداشان شیعی مذهب و آراء و افکار آنان می‌باشد. اگر کلیه دلایل و مستحبات و عالیترین توجیهات نظری را روی صفحه کاغذ بیاوریم ممکن نیست بتوانیم یک فرد شیعی مذهب باشد آوریم مگر آنکه بتحقیق در عالم واقع شکل و حقیقت خیره باشی انکاری از وجود آن مذهبی خاص عنوان مذهب شیعه در بین مردمان کرده زمین وجود داشته باشد.

اکنون برای مایسراست که خصایص این نوع خاص از شهور دینی وجودان مذهبی را که شیعه نام دارد، طی تاریخ حیات آن بطور وفوح بادداشت کنیم. می‌خواهیم احتصار و احتراز از اصطلاح کلام دو خصیصه عمده آنرا که بزعم اینجانب قالب اصلی و مشترک هر دو مذهب شیعه و اسماعیلیه را مشخص و ممتاز می‌کند در این مقاله ذکر نمی‌کنیم:

اوین آن خصائص اینست که ازین کلیه آن حنفی که انسان معمولاً و عاده بخداوند نسبت به مذهب ختنی در مذهب توحید و یگانه پرستی- فی الحقيقة هیچیکی معرف ذات باری تعالیٰ و در بافت حقیقت اونمی باشد. ذات باری توسط انسان قابل دریافت نیست

و بالا و رابطه‌ای نمی‌توان داشت مگر بدان وجه و صورتی که خود او اراده کند و به انسان بنماید و ظاهر سازد و آن صورت الزاماً واضطراراً بروفق اراده خاص او و شکل خاص اراده اوست. و آن صورت و هیئت صورت انسانی است در صفت کمال، و همین فرد اجلی و انسان کامل در مذهب شیعه پیش‌بختیت «امام» اطلاق می‌شود.

امام مظہر وجود باری تعالی و تجلی ذات اوست. البته این مفهوم را نباید با مفهوم گوشتمند شدن خداوند که در حکمت الهی دین مسیح مذکور و مقبول است اشتباه نمود. اینجا موضوع «مظہریت» است و تجلی ذات، هر چند مفهوم «تجلی» و اعتقاد بدان مارا بنوعی از مسیحیت قدیم که امروز بکلی در حاشیه مسیحیت رسمی قرار گرفته یعنی مسیحیت عرفانی (La Gnose) نزدیک می‌کند.

خصوصه دوم اینکه متن قرآن کریم که وحی منزل و کتاب مقدس مذهب شیعه محسوب می‌شود، غیر از معنی اصطلاحی و ظاهری حاوی معنی است مستقر و باطنی و معنوی. دست یافتن بدین معنی باطنی مترا داشت باز نده شدن روح بزندگانی جدید، پیغایت جان و رستگاری و آزادی و آزادگی. حقیقت اینستکه اولین وارث و اولین صاحب امانت معنوی پیغمبر اسلام، شیخیت امام اول و پس ازاو سلسله مستقیم فرزندان او می‌باشد. بعباره اخیر این ودیعه معنوی، ذات و شیخیت امام است نه شیخیت متفرد تاریخی او، بلکه سر ضمیر او که مفترض بالتبادر بعثت و مأموریتی جهانی گردیده است. بدینجهت معرفت تمام شیخیت و ذات امام بمثابة معرفت آزادی بخش و نجات دهنده روح می‌باشد. دو خصیصه فوق برای تشخیص و تمیز مذهب و معتقدات اقلیت شیعه از مذهب اکثریت یعنی سنت و جماعت در اسلام و همچنین برای ذریافت قرابت و خویشاوندی آن باشکل خاص مذهبی که جای دیگر بعنوان مذهب «عرفان» ذکر کردیم کافی و شافی بمنظور می‌رسد (شرب عرفان در بطن مسیحیت پیدا شده ولی مقدم بر آن بوده همچنانکه امروز میدانیم مقدم بر مذهب اسلام نیز بوده است)

قوت تمرکز و توجیهی که در فمائل و بواطن مؤمنین با اخلاص بتفکر فلسفی عمیق در باب شیخیت معنوی امام قوام بخشید و آن شیخیت را بمقام «صورت نوعیه» یا مظہریت حق و تجلی ذات ارتقاء داده است، بما اجازه میدهد وحدت فکری که در خلال فراق در مذهب شیعه ادامه و استدامه یافته دریابیم. در نزد شیعه امام

منظور بیت مزبور در شخصیت‌های مقدس دوازده امام است که آخرین آنها در سنین کودکی در سال ۸۷۴ میلادی با غایب شدن خود تلاش قدرتهای اهریمنی را که بنابود ساختن ثروت معنوی امامت در روی کره زمین کمر بسته بودند نقش برآب ساخت. معروف است که امام دوازدهم در آخر الزمان بمنظور برقراری حکومت نور مطلق و احیاء زمین و آسمان ظهور خواهد کرد. هرچند ما اکنون در زمان غیبت کبرای امام زیست نیکنیم، لیکن امام خائب سرور پنهان و حاضر زمان ماست و امروزه کلیه شیعیان ایران روی دل بسوی او و صورت نورانی او دوخته دارند و از صمیم قلب اورادوست می‌دارند و با او متوجه هستند.

از همان آغاز غیبت امام عصر، یعنی طی قرون نهم و دهم میلادی، تفکر شیعه سenn و اصول عقاید خود را طرح ریزی می‌نمود و بین خادمان حکمت الهی شیعه و پایه گذاران مشرب مزبور شخصیت‌های بزرگ ایرانی مانند گلینی، ابن‌بابویه، ابوسعفر طوسی را پاید نام بردا.

این امر اتفاقی نیست و دلیل ندارد که ما حق مجاهدان ایرانی و پاس زحمات ایشان را در اینکار محفوظ نداریم زیرا آلام و مصائبی که در آغاز کار متوجه فدائیان شیعه شده است، بسیار بیخث بوده و قابل انکار نیست. تنها پس از مدت مديدة یعنی در اوائل قرن ۱۶ میلادی با استفاده اسلسله صفویه تو انتهای از تعقیب و شکنجه دشمنان و بد خواهان رهایی یافته از نعمت معمولیت بر خوردار شوند.

اما در باب عدد دوازده باید متنظر شد که ابن عدد مقدس نیز نتیجه حوادث و تجربه زمان نیست بلکه عددیست ممتاز و صورت نوعیه اعداد کامل را معرفی می‌کند. عدد هفت نیز بنوبه خود بهمین جهت ممتاز و وجه امتیاز شیعه اسماعیلیه از شیعه امامیه می‌باشد.

اعداد مزبور در عین حال مبین ناموس خلقت و مشی موزون شعور مخصوص دینی می‌باشند. بهمین دلیل دو شعبه معتبر شیعه را اثنی عشری و هفت امامی می‌نامند. شعبه اخیر یعنی شیعه هفت امامی فرقه اسماعیلیه است که جنبه باطنی کلام الله و تأویل را بیش از شیعه امامیه مورد توجه قرار نمیدهد. این فرقه معرف جنبه عرفانی در اسلام است و برخلاف آنچه مشهور می‌باشد بهیچوجه اختراع و ابداع حسن صباح نیست و باز باید توجه کرد که تجدید حیات فرقه اسماعیلیه بدست قدرت حسن صباح

و استقرار مرکز مسنا در قلعه الموت بغلط و از روی غرض بعنوان یک دسته ماجراجو و فرقه آدم کشان معرفی شده است و غلط فاحش تاریخی است که در مغرب زمین طی قرون شایع گردیده . اطلاعات دقیق و قابل اطمینانی که ما امروز از مادیت تلاش و قیام حسن صباح در دست داریم، باید اذهان را بیدار نماید تا بینحو لا یشعر از روی تعبد شریک چرم تبلیغات عباسیان نگرددند و فرقه اسماعیلیه را که تا امروز پاینده مانده است از این بی حرمتی مصون دارند.

فرقه اسماعیلیه نام و شهرت خود را مدیون امام جوانمرک خود اسماعیل فرزند ارشد امام ششم، امام جعفر صادق میباشد که در حدود ۷۶۵ میلادی در آغاز جوانی دارفانی و ابدودگفته است، ولی بواسطه نفوذ معنوی امام جوان حکمت الهی پر مغز و پر معناوی در بین بیرون از خاص او بوجود آمد . عده ای از خاصان اسماعیل با فرق غیر مسلمان با گوتیک های بر دسانی ، مانوی ها و مسیحیان نسطوری مراوده فکری و فلسفی داشتند . بدون شک در بین مؤمن ترین و مشتعل ترین حواریون اسماعیل نهضتی بوجود آمده که هسته مرکزی اسماعیلیه را تشکیل میدهد . سپس دوران تاریک و خاموشی بوقوع پیوست تا بخلافت رسیدن ساسله فاطمیه در قاهره (۹۰۹ میلادی) و غفله مشاهده می شود که در این اوان آثار فلسفی متعددی به ظهور میرسد . آثار مزبور طی قرون متعددی در کتابخانه های اسماعیلی مخفی و دور از اغیار نگاهداری می شده است . اکنون چند سال بیش نیست که مطالعه برخی از آن نوشتежات برای ما میرسد و باز اینجا باید یاد آور شویم که شخصیت های هم طراز این سینما ، قادر به تألیف آثار بکر و اعجاب آمیز طی " قرون دهم و بازدهم میلادی در ایران ظهور کرده اند مانند ابو یعقوب سجستانی، مؤید شیرازی، حکیم ناصر خسرو و حمید الدین کرمانی . بعد از افتراقی که دنباله مرگ امام المنتصر بالله (۱۰۹۴ میلادی) اتفاق افتاد، نوعی مذهب اسماعیلی بالاستقلال تحت ای ای حسن صباح در قلعه الموت احیاء گردید که مرکز تقلیل تفکر آنرا توجه به اصل رستاخیز و نجات روح فردی تلقی میتوان کرد . طوفان مغول طومار سازمان های فرماندهی اسماعیلیه الموت را در (۱۲۵۶ میلادی) در هم پیچید ولی نتوانست ریشه آنرا بالمره از خاک ایران بر کند . مذهب اسماعیلیه در لباس مذهب صوفیه در ایران ادامه حیات پافت و از آن پس از لحاظ اصول عقاید و ایدئوژی داد و تبد و آبیختگی قابل توجیهی بین این دو مذهب صورت گرفت که

امروزه بر اهل تحقیق واضح و مبرهن است.

بدین ترتیب با توجهات مختصری که معروض افتاد، بر ما کاملاً روشن می‌شود که معنی و مفهوم مذهب شیعه برای ایران از معنی و مفهوم آن بطور عام از تاریخ مذاهب قابل تجزیه و تفکیک نمی‌باشد و در اعماق خود آثار و علائم فکر و نبوغ ایرانی را در راه لایتنهای جستجوی حقیقت که بطور عام در شعور دینی طایفه انسانی مستتر است، می‌حفوظ داشته و بیان کرده است. رابطه آن را نیاز از جهتی با مشرب عرفان (gnose) با شاره ذکر نمودیم. و همچنین ملاحظه می‌شود که مفهوم امام با جنبه مظہریت و تجلی با مفهوم پیغمبر حقیقی در مذهب یهود و مسیحی یعنی پیروان مسیحیت اولیه که در لوای یعقوب مقدس حواری در بیت المقدس ظهر کرد قابل مقایسه می‌باشد. مفهوم امام دوازدهم و پنوند احیاء کننده فکر مذهبی زردشت در باب منجی و روح «سانوشیانت» می‌باشد و بالاخره گروه ۱۲ امام مخصوص به پیغمبر از طریق حضرت فاطمه السهراء گروه مقدس ۱۴ مخصوص را تشکیل می‌دهد.

در گروه اخیر سیمای درخشان حضرت فاطمه احیاء کننده مقام قدس و طهارت حضرت مریم است که مسیحیان در شعور دینی خود بمقام و مرتبت حقیقی آن توجه نکرده اند.

بدینسان ملاحظه می‌کنیم که مذهب شیعه علی‌رغم تعبیر و تفسیر کوتاه‌نظران مذهبی نیست که تنها حاکمیت امام را جانشین اهل دموکراتیک سنت و جماعت در جامعه اسلامی کرده باشد، بلکه بر عکس ایمان و اعتماد به امام غایب جنبه قدس و اعتبار معنوی خاصی بمذهب شیعه میدارد. بدین معنی که هر فرد شیعه مؤمن با حضور قلب خود را همراه و هم عنان امام و پیشوای حی طریقت معنوی خود احساس و ادراک می‌کند و این معنی را فلاسفه بنحو دیگر و بهارت دیگر در مفهوم (همزاد ربانی و آسمانی) (Alter ego) که همواره با هر فرد بشر زندگی می‌کند و هیچگاه از او جدا نمی‌شود اعتبار پخته شده اند.